

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷

مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی در قرآن کریم

مهدی محمودی^۱

رحیم حاصلی^۲

چکیده

بحث از جامعه آرمانی بشر، قدمتی دیرینه دارد و دست‌یابی به جامعه‌ای عاری از هرگونه ظلم و ستم و ناعدالتی، همواره آرمان و آرزوی دیرینه بشر بوده است. این جامعه آرمانی، در آموزه‌های ادیان الهی، جامعه آخر زمان و موعود است که از آن به آرمان‌شهر بشر تعبیر شده است. دین مبین اسلام، به عنوان کامل‌ترین دین که در بُعد اجتماعی به آن جامعه آرمانی و آرمان‌شهر مورد انتظار ختم خواهد شد، در آموزه‌های خود مبانی انسان‌شناسی آن را مشخص نموده است. از این رو مسئله این مقاله آن است که مبانی انسان‌شناسانه آرمان‌شهر مهدوی در آموزه‌های قرآن کریم کدام‌اند؟ از دیدگاه قرآن کریم، از جمله مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی عبارتند از «معرفت و شهود به عنوان فلسفه وجودی حیات اجتماعی»، «دو ساحتی بودن حقیقت جامعه»، «تعقل و تکامل عقول و خردمندی اجتماعی»، «وجود تفاوت‌های فردی و اجتماعی»، «کرامت انسانی و حقوق بشر» و «اراده، اختیار و آزادی انسان».

واژگان کلیدی

قرآن کریم، مبانی انسان‌شناسی، آرمان‌شهر مهدوی، مهدویت.

۱. کارشناس ارشد رشته تفسیر قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) (mahdim95@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

مقدمه

اندیشه مهدویت، موعودگرایی و جامعه آرمانی از جمله مشترکات همه جوامع و ادیان است و قرآن کریم نیز با توجه به اهمیت آن، به صورت مکفی به این مقوله پرداخته است. از این رو ضروری است با کنکاش در آیات قرآن کریم به مبانی آن جامعه دست یافت تا با حرکت جوامع کنونی در راستای آن مبانی، بتوان به آن جامعه آرمانی نزدیک شد.

مهم‌ترین بحث در شناخت واقعی جامعه آرمانی مهدوی، بررسی مبانی فلسفی آن در چهار حوزه فلسفه دینی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. این مبانی پایه و اساس نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین و شاخص‌ترین حوزه این مبانی - با توجه به اهمیت انسان و شناخت ابعاد وجودی او - مربوط به «مبانی انسان‌شناسی» است. منظور از این دسته مبانی، یک سری از گزاره‌های فلسفی انسان‌شناسانه است که از ماهیت انسان نشأت گرفته و به ابعاد وجودی او مربوط می‌شود. از این رو مهم‌ترین مبانی نظری انسان‌شناسی (از دید نگارنده) که علما و دانشمندان اسلامی بیشتر به بحث در مورد آن پرداخته‌اند عبارتند از: «انسان و فلسفه آفرینش او»، «دوساحتی بودن انسان»، «برخورداری انسان از قوه عقل و تفکر»، «ابعاد وجودی انسان و تفاوت‌های ایشان»، «کرامت انسانی» و «اراده و اختیار انسان». بر این اساس، بحث «مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی» را با نگاه به همین مبانی و طبق آیات قرآن پیش برده و تحلیل می‌نماییم.

مفهوم‌شناسی

مبانی

واژه «مبنا» از ریشه «ب ن و» به معنای «ساخته شدن چیزی از چیز دیگر است» از این رو به فرزند که از پدر تولد می‌یابد «ابن» و «بنت» گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۳۴۰) و واژه «مبانی» که مورد استعمال جوامع علمی است را از آن رو «مبانی» می‌گویند که اصول، شاخصه‌ها، راهکارها و... هر چیز، از آن مبانی ساخته می‌شود. به عنوان مثال در تحلیل فکری و فلسفی مکتب اسلام، اصول، قضایا، پیش‌فرض‌ها و داده‌های اولیه‌ای وجود دارند که زیربنای ساختار فکری و اندیشه‌ای آن را تشکیل می‌دهند. (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۶: ۴) این زیر بناها را در اصطلاح «مبانی» می‌نامند. مبانی هر مکتبی، با توجه به هدف آن مکتب تعیین می‌شوند و بسته به نوع مذهب و مرام دینی آن، روش‌های زندگی و نظام‌ها نیز متفاوت خواهند

بود. (محقق داماد، ۱۳۸۹ش: ۸۳)

انسان‌شناسی

واژه «انسان‌شناسی» (نام رشته‌ای که از ریشه یونانی anthropos به معنای «انسان» و logos به معنای «شرح» گرفته شده است) در ساده‌ترین معنای تحت‌اللفظی به معنای «مطالعه انسان یا صفات انسانی» است. (وای ولو، ۱۳۸۸: ۱) «ارسطو» فیلسوف یونانی نیز اولین کسی بود که اصطلاح «آنتروپولوژی» را به کار برده است. اما آن چه امروز در علوم اجتماعی به صورت گسترده‌ای «انسان‌شناسی» نام گرفته است در گذشته و در برخی موارد حتی امروز، «مردم‌شناسی» نامیده می‌شد. معنای «انسان‌شناسی» در آن دوران با معنای «انسان‌شناسی زیستی» در امروز، کاملاً انطباق دارد.

دو واژه دیگر که تا نیمه قرن بیستم در بین انسان‌شناسان رواج داشت، واژه‌های «مردم‌نگاری» (مجموعه‌ای از روش‌های دست‌یابی اطلاعات درباره یک فرهنگ خاص) و سپس «مردم‌شناسی» (فرآیند بررسی و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده) بود. (فرید، ۱۳۸۸ش: ۲۶-۱۹؛ فکوهی، ۱۳۹۰ش: ۲۱-۱) به هر ترتیب اکنون در غرب واژه «انسان‌شناسی» بیشتر به عنوان علم مطالعه مجموعه پدیده‌های مرتبط با انسان در هر جای سیاره زمین و حتی فراتر از آن در تمامی زمان‌ها تعریف می‌شود. (وای ولو، ۱۳۸۸ش: ۱)

از طرفی انسان و انسان‌شناسی در قرآن کریم بسیار فراتر و جامع‌تر نسبت به مکاتب و دانشمندان و حتی دیگر آئین‌های الهی بیان شده است. از دیدگاه قرآن انسان موجودی دو بعدی (مادی و معنوی) است که اصل و سرشت او را همان روح او تشکیل داده و جسم او تنها مرکب و راهواری در خدمت انسان برای رسیدن به مدارج والای انسانی است. بنابراین «انسان‌شناسی»، علمی است که به مطالعه کل وجود انسان (مادی و معنوی) می‌پردازد و از این رو با حوزه‌های مانند خداشناسی، نبوت و مبدأ و معاد نیز مرتبط است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ش: ۳۱-۳۴) بنابراین، آن چه امروزه در علوم اجتماعی تحت عنوان «انسان‌شناسی» رواج دارد در واقع «انسان‌شناسی جسمانی» به معنای علم مطالعه جسم انسانی در حوزه‌هایی مانند: مردم‌شناسی، مردم‌نگاری و تاریخ‌نگاری زندگی و آداب و رسوم بشری است نه علم شناخت کل وجود انسان. نتیجه آن که تعریف علم «انسان‌شناسی» که در جوامع علمی ارائه شده، ناقص بوده و تنها برخی از ابعاد زندگی بشری را و آن هم در قالب یافته‌های تجربی و خطاپذیر در بر گرفته است. از این رو انسان‌شناسی را به صورت جامع‌تر این‌گونه تعریف می‌کنیم:

«انسان‌شناسی» به مجموعه شناخت‌های علمی، فلسفی و کلامی اطلاق می‌شود که به انسان به عنوان موجودی دو ساحتی، مختار و با طبیعت و سرشتی الهی و در عین حال موجودی اجتماعی و نیازمند به آن و در بستر فرهنگ، می‌نگرد و در این راستا به بررسی ساحت‌هایی همچون: اعتقادی، دینی، فرهنگی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی، تاریخی، بیولوژیکی و... در دو حوزه فردی و اجتماعی، با هدف هدایت انسان، می‌پردازد.

آرمان شهر

«آرمان شهر» در اصطلاح متفکران اسلامی و مترجمان فلسفه یونان و آثار افلاطون، «مدینه فاضله» و در تعبیر جامعه‌شناسان، مترجمان و پژوهندگان فلسفه غرب، «اتوپیا» و در ادبیات فارسی، «ناکجاآباد»، «شهر بی‌مکان» و «بی‌نام شهر»، نامید شده است. (خزاعی، کامیار، ۱۳۹۵ش: ۲۴)

برخی همچون «فردریک روویون»، «آرمان شهر» را «کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی تحقق‌ناپذیر که واقعیت‌ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده‌اند» تعریف می‌کند. (روویون، ۱۳۸۵: ۵) برخی نیز آن را کشوری خیالی می‌دانند که در آن‌جا زندگی مردم، کامل و قرین رستگاری است؛ جایی دست نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه خیر برین و زیبایی و کام‌یابی است. (اصیل، ۱۳۹۳: ۱۵)

اما برخلاف تعاریف فوق، آرمان شهری که شیعه در فرهنگ مهدوی ترسیم می‌نماید، زمینی و واقعی است و در فرجام تاریخی بشری، فرجامی خجسته و سعادت‌بخش است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵).

بر همین اساس جهانی که در اندیشه مهدویت ترسیم می‌گردد، آرمانی و کمال مطلوب بوده و مدینه فاضله‌ای است که در آن تمام فضایل و ارزش‌های والای بشری تحقق می‌یابد. (زمانی محجوب، ۱۳۸۸ش: ۹۱)

لازم به ذکر است در این تحقیق مراد از واژگان «آرمان شهر»، «جامعه آرمانی» و «جامعه مهدوی»، همگی به مفهوم جامعه عصر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

مبانی انسان‌شناسی جامعه مهدوی

همان‌طور که گفته شد به منظور دست‌یابی به جامعه آرمانی مهدوی، تحلیل و بررسی

مبانی نظری انسان‌شناسی ضروری است؛ لذا در این بخش به مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی پرداخته می‌شود. این مبانی عبارتند از: «هدف‌مندی حیات اجتماعی»، «دو ساحتی بودن حقیقت جامعه»، «تعقل و تکامل عقول و خردمندی اجتماعی»، «وجود تفاوت‌های فردی و اجتماعی»، «کرامت انسانی و حقوق بشر» و «اراده، اختیار و آزادی انسان».

معرفت و شهود، هدف آرمان‌شهر مهدوی

هدف و هدف‌داری از مهم‌ترین لوازمات زندگی انسان است. متعالی بودن هر انسان رابطه مستقیم با میزان تعالی هدفش دارد. از این‌رو انسان‌های بزرگ همواره اهداف متعالی‌تری دارند. انسان بی‌هدف دارای زندگی پوچ و بی‌معنی است و انسان هدف‌مند زندگی همراه با تکاپو و تغییر و تحول رو به جلو خواهد داشت. بنابراین، انسان در کارهای عقلانی و منطقی خود، هدف و غرضی دارد و در برابر هر «چرا؟» يك «برای» دارد و اگر انسان، کاری که انجام دهد، در مقابل «چرا؟»، «برای» نداشته باشد، آن کار لغو، عبث و بیهوده و پوچ تلقی می‌شود. با این حال بحث هدف‌مندی در مورد خداوند اولی‌تر است؛ او در کارهای خویش، غرض و هدف دارد و از روی کمال دانائی کارها را برای اغراض و اهداف مشخص و معین با انتخاب اصلح و ارجح انجام می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۴۸) خداوند در قرآن به این امر تأکید کرده است:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ، مَا خَلَقْنَاهَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

(دخان: ۳۸-۳۹).

بنابراین آفرینش انسان نیز دارای هدف و غرض است و ضروری است که به این هدف و غرض دست پیدا کرد.

در تحلیل جامعه مهدوی، اولین مطلب، توجه به هدف و غرض آفرینش انسان است؛ یعنی هدف آرمان‌شهر مهدوی هرچه که باشد از فلسفه آفرینش انسان جدا نیست و باید با آن تحلیل گردد. از این‌رو در مباحث انسان‌شناسی در توضیح هدف از خلقت انسان، سخن به فراوانی رفته است که همه آن‌ها ناظر به آیات قرآن کریم است. این آیات عبارتند از: آیاتی که آزمایش انسان را هدف آفرینش می‌داند (هود: ۷) و آیاتی که رحمت الهی را هدف خلقت انسان می‌داند. (هود: ۱۱۸-۱۱۹)، آیاتی که هدف از خلقت انسان را عبادت معرفی می‌کند. (ذاریات: ۵۶). تحلیل همه این آیات در جای خود قابل بحث است اما آن‌چه اجمالاً در این خصوص گفته می‌شود این است که همه این موارد در واقع اهداف وسطی هستند برای یک هدف بالاتر.

از این رو هدف آفرینش انسان را باید در جای دیگر جستجو نمود. ناگفته نماند که بحث از هدف خلقت از جمله مباحثی است که نظرات دانشمندان در مورد آن متفاوت است، اما به نظر می‌رسد که در بحث اهداف وجودی، انسان باید به دو محدوده اساسی وجود انسان، یعنی «علم» و «عمل» توجه نمود و فلسفه خلقت انسان را با این دو حوزه تحلیل نمود.

۱. هدف انسان در بخش علم

این بخش از حیث گستره، محدود است و شناخت وحدانیت خدا، علم و قدرت الهی و به عبارتی معرفت الهی را شامل می‌شود:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق: ۱۲)؛

یعنی ذات اقدس الهی نظام آسمان و زمین، فرشتگان و مدبران امر را آفرید، تا شما بر اساس جهان بینی توحیدی حرکت کنید و بدانید خدایی هست و این خدا بر همه چیز توانایی و احاطه علمی دارد. «لتعلموا» اشاره به هدف خلقت در بخش علم است که همان شناخت وحدانیت خدا، علم و قدرت اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: (ب): ۳۰۸)

۲. هدف انسان در بخش عمل

هدف آفرینش انسان در این بخش، نامحدود است و شامل همه شئون فردی و اجتماعی انسان است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶). (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: (ب): ۳۰۸)

در بیان موارد فوق می‌توان گفت که اصولاً اطاعت تنها به معنای عملی و انجام نماز، روزه، حج و دیگر واجبات فقهی مصطلح نیست، بلکه همه شئون زندگی از مسائل سیاست حقوق، اقتصاد، صنعت، کشاورزی، خانواده و اجتماع و... را نیز شامل می‌شود و انسان در همه این شئون باید عابد باشد؛ علاوه بر این، قسم دومی که علمی نامیده شد نیز وجود دارد که مربوط به ادراک و معرفت وجودی انسان و تدبیر در اسمای حسناى الهی، تعمق در آیات انفسی و آفاقی، تأمل در مشهود بودن خدا در همه چیز و کفایت خود ذات خداوندی برای معرفت خودش با انضمام قصد قربت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: (ب): ۳۰۸)

بنابراین به منظور بیان «هدف حیات اجتماعی جامعه آرمانی مهدویت»، باید به هدف خلقت انسان در دو بخش یادشده (علم و عمل) توجه نمود و با توجه آن چه گفته شد، هدف آرمان شهر مهدوی در بخش علم، کسب معرفت الهی و شناخت وحدانیت، علم و قدرت الهی

است و در حوزه عمل نیز شامل تمامی شئون زندگی فردی (مانند: نماز، روزه، حج و...) و زندگی اجتماعی (شامل تمامی ارکان زندگی اجتماعی از جمله اقتصاد، فرهنگ، حقوق، صنعت، کشاورزی، خانواده، اجتماع و...) است. این نکته به آن معنا است که در جامعه مهدوی (در بخش عمل) همه نظام‌های اجتماعی، سازمان‌ها، و نهادها در یک راستا و معطوف به یک هدف در حرکت هستند و آن عبادت الهی است. (ذاریات: ۵۶) از طرفی، گفته شد که عبادت هدف متوسط است و هدف عبادت نیز رسیدن به یقین و شهود الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۲۹-۴۳۱) بنابراین هدف نهایی از تشکیل آرمان‌شهر مهدوی، معرفت الهی در حوزه علم، و یقین و شهود الهی در بخش عمل می‌باشد و تمامی ارکان آن جامعه، هدایت‌کننده افراد به سمت این اهداف است.

دوساحتی بودن حیات اجتماعی در آرمان‌شهر مهدوی

انسان ترکیبی از دو عنصر روح و جسم است که رشد جسمانی‌اش مقدم بر تعالی معنوی و روحی اوست؛ زیرا شاکله ظاهری او در طبیعت اولی (نشئه رحم) شکل می‌گیرد؛ اما ساختار روحی او در طبیعت ثانوی (نشئه مادیه) رشد می‌یابد و پس از ورود به نشئه طبیعت به اختیار خود می‌تواند ماهیات مختلف را بپذیرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ش ۳۹) جسم همان بدن یا قسم مادی انسان است که به منزله مرکب راهواری است که باید در خدمت انسان باشد تا به مقصد برسد و روح نیز حقیقتی است که مبدأ زندگی می‌شود و به حیوان قوت و قدرتی می‌بخشد که به کمک آن مجاری ادراکی و تحریکی او فعال می‌شود و همین روح و کمالات روحی است که موجب برتری مطلق انسان بر سایر موجودات می‌گردد. بنابراین حقیقت انسان روح است، که ثمربخشی سایر اعضا و جوارح از فعالیت آن ناشی می‌شود.

از طرفی همان‌طور که انسان دارای جسم و روح است، جامعه نیز شامل یک جسم است که از اجزاهای ظاهری آن مانند خانه، سازمان، نهاد، سیستم‌های اجرایی، امکانات شهری و... تشکیل شده است و هم‌چنین این جامعه دارای یک نفس و روح هم هست که زوال‌ناپذیر است و هویت اجتماعی آن را تشکیل می‌دهد. به تعبیری هویت هر جامعه روح دمیده شده در کالبد آن جامعه است و هویت آرمان‌شهر مهدوی، هویتی نشأت گرفته از اسلام ناب و قرآنی است.

در باب مقوله هویت نظریات مختلف است از جمله این که، برخی هویت را زمینه و منشأ طبیعی و ذوقی می‌دانند. طبق این نظریه انسان در طول تاریخ در شرایط متفاوت قرار گرفته و

باعث ایجاد نوعی خلق و خوی، منش، ذوق و احساس شده که هویت آن‌ها شکل می‌دهد. بنابراین هر منطقه و دیار و سرزمینی هویت ملی مخصوص به خود را دارد. در مقابل این نظریه، کسانی هستند که قائل به منشأ فطری برای هویت انسان‌ها هستند و معتقدند روش و شیوه زندگی انسان‌ها ممکن است در طول تاریخ ملی خود، به دلایلی تغییر یابد اما اصل و سرشت آن‌ها که خداوند ایشان را بر اساس آن ساخته است از بین نمی‌رود و اگر چنانچه این هویت در اثر وراثت، محیط و با علل تاریخی و... دچار تغییر شود، انسان موظف به برگشتن به آن شاخص و الگوی مشخص درونی است. پس مطابق این نظریه که نظریه الهی و فطرت است، انسانیت يك طرح و يك الگو و يك برنامه‌ای دارد که انسان اولاً به حسب فطرت خویش به آن سو حرکت می‌کند و ثانیاً انبیاء و اولیای الهی نیز انسان را در حرکت صحیح در این مسیر فطری و طبیعی یاری می‌دهند. (مطهری، ۱۳۸۴ش: ج ۱۵، ۸۲۳-۸۱۸)

از این رو، حقیقت آرمان شهر مهدوی را هویت آن جامعه (به مثابه روح آن) تشکیل می‌دهد که بر سرشت واحد بشریت که همان فطرت تغییرناپذیر است استوار است. به تعبیری دیگر آرمان شهر مهدوی نمود کامل هویت توحیدی است که انبیای الهی در طول تاریخ در صدد تحقق آن بوده‌اند. بدین ترتیب آن چه تا آن زمان در جوامع رخ داده، در حقیقت نوعی مغالطه هویتی و به تعبیر امروزی بحران هویت بشر بوده است که بشر را از صراط مستقیم فطرت خویش به سمت گمراهی کشانده و هویتی باطل جایگزین هویت حق ساخته است. بنابراین مشکل کنونی جامعه بشر، همین بحران هویت است که نمی‌داند، امکانات مادی تحت اختیار او برای چیست و خدای سبحان چرا قدرت کسب این امکانات را به آنان داده است؛ زیرا انسان هویت و حقیقتی دارد که دشمنان بزرگ انسانیت او، در هویت وی مغالطه می‌کنند و یک خود غیر واقعی و هویتی جعلی را به او تلفیق می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش (ب): ۳۵۵)

تکامل عقول و خردمندی اجتماعی

در مورد عقل و تعقل و واژگان نزدیک به آن، چنانچه در قرآن کریم کاوشی داشته باشیم بیش از ۵۰ آیه را می‌بینیم که مردم را به تفکر و تعقل دعوت کرده است. عقل نیرویی است که انسان به وسیله آن خیر را از شر، نفع را از ضرر و حق را از باطل می‌شناساند و جدا می‌کند و به خاطر همین نیرو است که انسان از سایر موجودات جدا شده و افضل آن‌ها لقب گرفته است. این نیروی فطری کنترل‌کننده سایر نیروهای درونی انسان از جمله: حب، بغض، شهوت و... است.

به تعبیری دیگر واژه عقل بر ادراکی اطلاق می‌شود که همراه تصدیق قلب است به آن چه خداوند سبحان، انسان را بر آن سرشته و آفریده است؛ یعنی ادراک حق و باطل در امور نظری و شناخت خوب و بد و سود و زیان در امور عمل. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۵۱) مقوله عقل را می‌توان به دو نوع عقل نظری و عقل عملی تقسیم بندی کرد:

عقل نظری: عقل نظری حکم خدا را می‌فهمد و ادراک می‌کند اما شأن حکم کردن ندارد و کار آن صرفاً ادراک است و هیچ مولویت و آمریت و ولایتی ندارد؛ زیرا عقل نظری فرمان و دستور عملی ندارد، بلکه نحوه اندیشه را بر عهده دارد، خواه راجع به «بود و نبود»، یعنی حکمت نظری و جهان بینی و خواه مربوط به «باید و نباید»، یعنی حکمت عملی باشد.

در بیان چگونگی رشد عقل نظری میان مردمان بعد از ظهور، باید گفت از آن جا که عقل نظری، از مقوله شناخت و علم است و نیز عامل جدائی حق از باطل شمرده می‌شود، لذا هرگاه در جامعه‌ای شناخت و معرفت به حقایق و هستی بیشتر باشد، نشان از رشد و تعالی عقل نظری مردم آن جامعه است. هرگاه عقل نظری مردم رشد کرد، خداشناسی و ماوراشناسی میان مردم بیشتر می‌شود. (الهی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۸)

در روایات هم به تکمیل عقل نظری در جامعه مهدوی به خوبی اشاره شده است؛ امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم (كلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۲۹)؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد، تا خرده‌های آن‌ها بیشتر شده و فکرشان کامل گردد.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند:

و تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْءَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۳۵۲)؛

(به انسان‌های دوران) بعد از ظهور آن اندازه حکمت داده می‌شود که زن در خانه‌اش براساس کتاب خدا و سنت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضاوت می‌کند.

عقل عملی: عقل عملی در حوزه شخصی حکم می‌کند و می‌تواند ولایت و آمریت فردی داشته باشد و تنها در حریم خود شخص این کار از او برمی‌آید و ربطی به دیگر انسان‌ها هم نداشته، چنان‌که ارتباطی به حریم دین نیز ندارد. عقل در مقام عمل بعد از احراز حسن و قبح

در هیچ امری ساکت و بی‌نظر نیست. او به انسان می‌گوید چیزی را که تکویناً بر اثر الهام الهی خوب می‌دانی انجام بده و چیزی را که به استناد الهام الهی بد می‌دانی ترك كن و اگر حکم چیزی را نمی‌دانی، از وحی استمداد کن.

با عنایت به مطلب فوق، وقتی به كمك روایات معصومان علیهم‌السلام، به زندگی مردمان آرمان شهر مهدوی می‌نگریم، می‌بینیم مقوله‌های مثبت، نظیر عبادات، بندگی حق، کارهای خوب، اعمال شایسته، عدالت، اضمحلال ظلم و ستم و غیره در آن جامعه رونق می‌یابد؛ پس به این نکته رهنمون می‌شویم که عقل عملی در آن جامعه رشد و ترقی پیدا خواهد کرد. (الهی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰) به عبارتی دیگر این دو (عقل نظری و عقل عملی) به منزله دو بال هستند که هرچه انسان قوی‌تر باشد فاصله این دو بال کمتر می‌شود تا آن‌جا که یکی از این دو بال عین دیگری می‌شود و این فرض در آرمان‌شهر مهدوی به نمونه کامل آن نزدیک شده و محقق خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲، ۵۵۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: (ب): ۴۵)

از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره نقل شده است:

و یدهب الزنی و شرب الخمر و یدهب الربا و یقبل الناس علی العبادات و تؤدی الامانات،
و تهلك الاشرار و تبقي الاخيار؛ (ابن طاووس، بی‌تا: ۵۴)

(در دوران حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌قربانہ) زنا، شراب‌خواری و ربا خواری از بین می‌رود. مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند. امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. اشرار مردم نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند.

تفاوت‌های فردی و اجتماعی

از دیگر مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی وجود تفاوت‌های فردی و اجتماعی است. خداوند همه انسان‌ها را بر اساس یک سرشت و فطرت تغییر ناپذیر خلق کرد: ﴿فَطَرَتَ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (روم: ۳۰) و انبیا و اولیاء را هم با هدف برگشت انسان به همین فطرت ارسال کرد. از طرفی همان‌طور که گفته شد انسان‌ها دارای دو عنصر جسم و روح هستند و در بُعد جسمی فرقی میان انسان‌ها نیست؛ جز در برخی خواص ظاهری، مانند رنگ، قد، وزن و... که تأثیری در تقسیم‌بندی انسان‌ها ندارد. اما آن‌چه باعث تفاوت انسان‌ها با یک‌دیگر است مربوط به بعد روحی و اختلاف استعدادها و امکانات روحی، عقلی و عاطفی با یک‌دیگر است (انعام: ۱۶۵)، «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْوُا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا». (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش: ۵۳۱) از این رو تفاوت‌های مصنوعی که بین انسان‌ها وجود دارد (از قبیل:

ثروت و فقر، علم و جهل، سلامت و بیماری) - که مسلماً آن‌ها را به حساب دستگاه آفرینش نمی‌توان گذاشت - غالباً زائیده استعمار و استثمار و اشکال مختلف بردگی و ظلم‌های آشکار و پنهان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۶، ۷۰) و این تفاوت‌ها طبق روایات رسیده از ائمه علیهم‌السلام در جامعه مهدوی قطعاً وجود نخواهد داشت. اما تفاوت‌هایی که مربوط به بعد روحی انسان است، مشترک سرشت همه انسان‌ها و ذاتی ایشان است و در جامعه مهدوی نیز وجود خواهد داشت و در این مورد بحثی نیست. اما آن‌چه مختص جامعه مهدوی و آرمان‌شهر مهدوی است چگونگی برخورد با این تفاوت‌ها و برقراری «عدالت تام» بین اختلاف استعدادها و امکانات روحی است. از این رو به منظور تحلیل این موضوع ابتدا به تبیین مفهوم عدالت در آرمان‌شهر مهدوی پرداخته می‌شود.

مفهوم حقیقی عدالت در آرمان‌شهر مهدوی، که بشر همواره از ابتدای خلقت خویش به دنبال آن بوده و در دوران ظهور به تکامل واقعی خواهد رسید، متکی بر دو چیز است:

۱. حقوق و اولویت‌ها: یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر، نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند. مثلاً کسی که با کار خود، محصولی تولید می‌کند، طبعاً نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، کار و فعالیت اوست. (مطهری، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۷۸)

۲. خصوصیت ذاتی بشر: به این معنا که موجودات در نظام هستی از نظر قابلیت‌ها و امکان فیض‌گیری از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوتند؛ هر موجودی در هر مرتبه‌ای از نظر قابلیت استفاده، استحقاقی خاص به خود دارد (مطهری، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۷۸) و لذا با سایر موجودات از این لحاظ متفاوت خواهند بود و مسلماً میزان درجات و مراتب کمال این موجودات نیز به دلیل همین خصوصیات ذاتی متفاوت است.

از همین رو، بشر یک سری بایدها و نبایدها را مشخص می‌کنند تا با رعایت این حقوق و اولویت‌ها و هم‌چنین خصوصیت‌های ذاتی افراد بشر هر یک از افراد جامعه به سعادت برسد. به تعبیری در جامعه مهدوی به افراد بشر ظلم نمی‌شود؛ یعنی هر انسانی، هر درجه از وجود و کمال که استحقاق و امکان آن را دارد با اختیار و اراده خویش دریافت می‌کند. در مورد ساختارها و نظام‌های اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها نیز وضع به همین منوال است. هر یک از نظام‌های اجتماعی با توجه به خصوصیت‌های ذاتی و درونی خویش و هم‌چنین براساس میزان لیاقت‌ها و شایستگی‌های آن‌ها مشمول عدالت مهدوی خواهند شد و لکن این تبعیض

نیست؛ زیرا تبعیض به معنای عدم توجه به دو مورد یاد شده در اعطای مواهب اجتماعی است.

نتیجه آن‌که از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی جامعه مهدوی وجود تفاوت‌های فردی و اجتماعی است و آن‌چه این تفاوت‌ها را سامان می‌دهد و مانع از ایجاد تبعیض خواهد شد برقراری عدالت تام میان این تفاوت‌ها - چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی - است.

کرامت بشر

کرامت انسانی یکی دیگر از جمله مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی است، لذا به منظور تبیین این مبنا، ابتدا به عنوان مقدمه به ارزش انسان نزد خداوند متعال پرداخته و سپس به تحلیل حقوق بشر در آرمان‌شهر مهدوی به عنوان ابزار به رسمیت شناختن کرامت ذاتی انسان می‌پردازیم.

۱. ارزش واقعی انسان در پیشگاه خداوند

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد انسان، سرشتی پاک و الهی دارد. خداوند انسان را بر فطرت و سرشت نیکو و متعالی آفریده است و لطف خداوند تا آنجا شامل انسان شده که او را سرور کائنات و خلیفه و جانشین خویش در روی زمین قرار داده است. (عابدی، ۱۳۹۰: ش: ۶) از دیدگاه قرآن انسان از چنان منزلت و مقامی برخوردار است که به فرمان خدا همه موجودات جهان در تسخیر او هستند و اجزاء عالم مشهود همه را به انسان مربوط و متصل می‌سازد، در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع می‌شود، و تمامی این موجودات مسخر انسانند. (جائیه: ۱۳) (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ۱۶۱) در نظام تشریح خداوند، تمامی انسان‌ها، دارای عزت و کرامت بوده و کسی حق تحقیر و تضعیف آنان را ندارد و همه یک‌سان از حقوق بشری برخوردار هستند مگر کسانی که خود با اعمال و رفتار ناشایست و بد خویش، زمینه محرومیت خود را فراهم می‌نمایند که در این صورت مطابق شریعت اسلام با آنان رفتار خواهد شد. به دیگر سخن، انسان در پیشگاه خداوند کرامت ذاتی دارد؛ زیرا خداوند انسان را خلیفه، امانت‌دار، دارای علم ویژه و مثل اعلی قرار داده است و اگر این‌گونه نبود خداوند این چنین جهان را برای او آماده نمی‌کرد و در تسخیر او قرار نمی‌داد. برخی دیگر از جلوه‌های کرامت ذاتی انسان عبارتند از: خلیفه الهی بودن انسان؛ (بقره: ۳۰) مسجود فرشتگان بودن انسان؛ (اعراف: ۱۱)، علم ویژه انسان؛ (اعراف: ۱۱) تسخیر موجودات جهان به وسیله انسان؛ (جائیه: ۱۳) اشرف مخلوقات بودن انسان؛ (تین: ۴) روح خدایی داشتن انسان؛ (حجر: ۳۹)

آفرینش انسان به دست خداوند؛ (ص: ۷۵) ارادی و اختیاری بودن کارهای انسان؛ (کهف: ۲۹) ارزش حیات و زندگی انسان؛ (مائده: ۳۲) (عابدی، منفرد، ۱۳۹۰ش: ۶). نوع دیگری از کرامت هست که ارزشی بوده و از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان نیز به همین کرامت است. (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵: ۲۷۹) محور اصلی کرامت اکتسابی انسان نیز همان طور که خداوند متعال فرموده است عبارت است از تقوای الهی (حجرات: ۱۳). در فرهنگ قرآن کریم انسان باتقوا کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ج ۲، ۱۳۲). تقوا خود محصول معرفت و عمل صالح است. از این رو می‌توان گفت که یگانه معیار کرامت انسان در هر عصری تقوا است؛ هرکس، تقوایش قوی‌تر باشد، به همان اندازه از گنجینه کرامت الهی بهره بیشتری می‌برد (عابدی، منفرد، ۱۳۹۰ش: ۷۵)

۲. حقوق بشر در جامعه آرمانی مهدوی

همان‌طور که گفته شد حیات انسان دو ساحتی است و از این رو در آرمان‌شهر مهدوی نیز کرامت انسانی در دو بعد دنیوی و اخروی مدنظر خواهد بود. در آرمان‌شهر مهدوی بشریت به کرامت واقعی خود خواهد رسید و انسان‌ها از حقوق انسانی الهی - فطری تحت هدایت رهبری الهی و انسان کامل برخوردار بوده و با نفی هرگونه بندگی برابر طاغیان، مشارکت متعهدانه‌ای در قلمروی جهانی، برای زمینه‌سازی سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران خواهند داشت. براین اساس می‌توان گفت:

۱. هدف نهایی از تحقیق و تحقق حقوق فرد و جامعه، رسیدن انسان متحقق به مقام شامخ لقای خداست؛ زیرا سرلُزوم چنین هدف برتر آن است که هر بالعرض باید به بالذات منتهی شود. لذا اهداف همه کارهای انسانی مادامی که به لقای خداوند نرسد، هدف متوسط است نه نهایی و مسلماً هدف بالعرض خواهد بود نه بالذات، و از اینجا است که اهداف حقوق بشر از نظر اسلام روشن خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش (الف): ۶) براین اساس در جامعه آرمانی مهدوی هدف از حقوق بشر همان لقای خداوند و رسیدن انسان به کمال نهایی است، برعکس آن‌چه امروزه تحت عنوان حقوق بشر در جوامع غربی رواج یافته و هدف از آن تنها حیات دنیوی انسان، آن هم به صورت ناقص است.

۲. انسان مؤلف از بدن طبیعی و روح فراطبیعی است، لیکن اصالت، از آن روح مجرد است که تدبیر بدن و اداره او نیز به عهده روح خواهد بود. بنابراین تدوین حقوق بشر مسبوق به شناخت این حقیقت (دوساحتی بودن انسان) و هم‌چنین معرفت به این‌که اصالت انسان با روح او است، می‌باشد. از این رو حقوق بشر در جامعه آرمانی مهدوی در پرتو دو نوع نگاه به انسان موجودیت می‌یابد: یکی جنبه طبیعی او که فرع است و دیگری جنبه فطری او که اصل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش (الف): ۸)

۲. حیات اجتماعی انسان‌ها و حقوق بشر در دولت کریمه مهدوی در بستری دینی مطرح می‌شود نه بر پایه تعلقات خونی و نژادی.

۳. اساس و مبنای حقوق بشر و شهروندی در آرمان‌شهر مهدوی مبتنی بر اراده و حاکمیت الهی و ولایت الهی است و منشأ حقانیت و مشروعیت حقوق، مستقیماً از خداوند نشأت می‌گیرد، بدین علت که هیچ موجودی غیر از آفریدگار انسان قادر به تعیین برنامه زندگی و تدوین حقوق او نیست؛ زیرا:

اولاً، انسان‌ها، طبیعتاً با یکدیگر اتحاد و هماهنگی ندارند. آن‌چه اکنون در قوانین امروزی حقوق بشر سبب اشتراك میان انسان‌های جهان شمرده می‌شود، اسباب و ابزارهای مادی است و روشن است که ماده محور و مایه کثرت و اختلاف است و نه وحدت و اتحاد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش (الف): ۹۳)

ثانیاً، برای تعیین حقوق بشر، باید نخست انسان و سپس جهان را شناخت زیرا هیچ‌کس بدون شناخت يك موضوع و شرایط آن نمی‌تواند پیرامون آن به بحث و گفت‌وگو بنشیند. سخن گفتن از حقوق بشر نیز بدون شناخت موضوع آن، یعنی انسان، و شرایط زیست او شدنی نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش (الف): ۹۴)

ثالثاً، در تعیین حقوق بشر باید میان نیازهای راستین و دروغین انسان فرق نهاد. در مسائل مربوط به حقوق بشر نیز بسیاری از نیازهای جامعه از همین گونه‌اند (یعنی نیازهای غیرواقعی هستند) و باید آن کس که انسان را با همه جنبه‌هایش به خوبی می‌شناسد، کارشناسانه نظر دهد که کدام يك از این نیازها راستین و کداميك دروغینند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش (الف): ۹۹)

۴. ماهیت حقوق شهروندی در آرمان‌شهر مهدوی، از گونه شهروندی عمیق است؛ به این معنا که در چنین جامعه‌ای انسان‌ها در جست‌وجوی آمال و منافع فردی خویش نبوده و بلکه

احساس تعلق و ایثار بر مبنای شریعت اسلام در عرصه اجتماعی بسیار غالب است. (لک، ۱۳۸۷: ۳۴)

۵. نوع شهروندی در چنین جامعه‌ای بر اساس مشارکت سیاسی فعال و متعهدانه از طریق بیعت و همراهی با امامی معصوم و آگاه و عادل خواهد بود و انسان به کرامت والای خود در جامعه می‌رسد. (لک، ۱۳۸۷: ۳۵)

۶. گستره شهروندی جهان شمول خواهد بود و چنان‌که در نگرش‌های منجی گرایانه ادیان آمده است، دولت آخرالزمان، دولتی جهانی خواهد بود. با پذیرش اسلام از سوی تمام مردم جهان، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. (لک، ۱۳۸۷: ش: ۳۸)

اراده و اختیار انسانی

اصل اختیار یک دیگر از مبانی انسان‌شناسی آرمان‌شهر مهدوی است و مفهومی پیچیده نیست که به شرح آن بپردازیم؛ زیرا اختیار یک اندیشه انسانی است که از درون او سرچشمه می‌گیرد، و به اصطلاح، ندایی فطری از درون انسان است که از آغاز همراه بشر بوده است. اصولاً اساس تمام شرایع الهی بر اصل اختیار استوار است و هدف نهایی شرایع آسمانی (تربیت و تهذیب نفوس انسان‌ها) به اصل اختیار وابسته است؛ زیرا در غیر این صورت هر نوع قانون‌گذاری و بازخواست و کیفر و پاداش، بیهوده و لغو می‌باشد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ش: ۳۷)

در ساختار وجودی انسان، آزادی اراده و اختیار نهفته است و فرد می‌تواند با پذیرش هر نوع ایدئولوژی، صلاح و فرجام کار خویش را رقم زند. او در کردار و رفتار خویش، مجبور نیست و با اراده خویش به هر کاری بخواهد دست می‌زند. این‌گونه آزادی که تکامل معنوی بشری به آن وابسته است، جامعه مهدوی را نیز در می‌نوردد و انسان‌ها در آن عصر نیز اراده‌ای آزاد خواهند داشت؛ لکن به صورت «امر بین الامرین»، نه جبر کامل و نه آزادی بدون حد و مرز؛ یعنی این که به انسان، آن مقدار از آزادی و اختیار که مقتضای رشد و سعادت او است داده شده است و علاوه بر آن در جامعه مهدوی تمامی شرایط و لوازم جهت رشد و اعتلای بشر مهیا بوده و انسان با اراده و اختیار و به عبارتی انتخاب‌های آگاهانه و اختیاری خود - بدون هرگونه جبر - به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید.

بر این اساس، در جامعه مهدوی اصل آزادی و اختیار از بنیادی‌ترین حقوق انسان به شمار می‌رود و به گونه‌ای اساسی بین انسان و دیگر پدیده‌های مادون فرق می‌گذارد. آزادی حقی

است که از سرشت آدمی بر می‌خیزد و محدود و محصور به قراردادهای اجتماعی نمی‌شود. اصل آزادی اراده و اختیار در اغلب مکتب‌های مغرب زمین یک موضوع قراردادی است که جامعه بشری حسب تجربه اجتماعی بین اعضای خویش برقرار می‌سازد. حال آن‌که در مکتب توحیدی اسلام «اصل آزادی» حقیقتی است که در جوهره هستی و از جمله سرشت آدمی عجین شده و به هیچ وجه زاییده ضرورت کاری و یا قرارداد اجتماعی نیست. (موسوی امین، ۱۳۸۴ش: ۲۲۵)

به منظور دست‌یابی به جایگاه آزادی اختیار و اراده انسانی در جامعه مهدوی، به تبیین انواع آزادی می‌پردازیم:

۱. آزادی اجتماعی: یعنی این‌که انسان از جانب دیگران آزاد و جلوی فعالیت او گرفته نشود و به عبارتی دیگر هیچ مانعی برای رشد او ایجاد نشود و دیگران او را استثمار، استخدام و یا استعباد نکنند و دیگران قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند. (مطهری، ۱۳۸۴ش: ج ۲۳، ۴۳۸) از این رو در جامعه مهدوی، انسان‌ها از آزادی اجتماعی برخوردار هستند و هیچ مانعی برای رشد ایشان نخواهد بود و هیچ‌کس یا گروهی جامعه بشری را زیر دست و دون قرار نمی‌دهد (آل عمران: ۶۴) و در مقام پرستش نیز، همه بشریت جز خدای یگانه چیزی را پرستش نمی‌کنند (آل عمران: ۶۴)؛ نه مسیح را و نه غیرمسیح را و نه اهرمن را. به تعبیری در آرمان شهر مهدوی نظام آقایی و نوکری، نظام استثمار، مستثمر و مستثمر و نظام لامساوات، ملغی و نابود است و همه در کمال آزادی زیر یک دین و آئین قرار می‌گیرند و آن اسلام است (آل عمران: ۱۹) (مطهری، ۱۳۸۴ش: ج ۲۳، ۴۳۹) و انسان‌ها از سلطه قدرت‌های استکباری و استعماری و از دست بردگی‌های مدرن و بندگی‌های بت‌های دنیوی رهایی می‌ابند و تنها حاکمیت الهی را به جان و دل می‌خرند. (محمدی منفرد، ۱۳۸۷ش: ۱۰۳) و از این رو است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد جامعه مهدوی می‌فرماید:

به... یخرج ذل الرق من اعناقکم (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۱، ۷۵)؛

به دست او بندهای بردگی از گردن شما گشوده می‌شود.

۲. آزادی معنوی: در بیان آزادی‌های انسان، آن‌چه که از اهمیت بالاتری قرار دارد همین آزادی است؛ آزادی معنوی یعنی علاوه بر این‌که انسان زیر بار ذلت و بردگی نرفته و آزادی خویش را در اجتماع حفظ کند، از نظر اخلاق و معنویت هم آزادی خود را حفظ کند و وجدان و عقل خودش را آزاد نگه داشته باشد؛ این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و

«تقوا» گفته می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۴ ش: ج ۲۳، ۴۴۰)

در جامعه آرمانی مهدوی، علاوه بر این که انسان زیر بار ذلت و بردگی نرفته و آزادی اجتماعی خویش را حفظ می‌کند از نظر تزکیه نفس و تقوای اجتماعی به آزادی معنوی رسیده و به تراز جامعه قرآنی نایل می‌گردد.

از نگاه احادیث نیز، در عصر ظهور، در پرتو تکامل عقول و شناخته شدن ایدئولوژی اسلام، به منزله برترین ایدئولوژی، نوعی وحدت عقیدتی در جامعه رخ پدید می‌آید و اندیشه‌ها و بدعت‌های ناپسند از جامعه رخت می‌بندد. آن‌گاه آموزه‌های اسلامی و مهدوی - که با سرشت و فطرت انسان‌ها سازگاری کامل دارد - بر دیگر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها چیره می‌گردد و حکومت مهدوی نیز هرگونه اندیشه غلط و باطل را نفی می‌کند و تنها خداپرستی و اندیشه‌های توحیدی را استوار می‌سازد. (محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت، موعودگرایی و جامعه آرمانی از جمله مشترکات همه جوامع و ادیان است و قرآن کریم نیز به صورت جامع و کامل به این مقوله پرداخته است و از این رو ضروری است با کنکاش در آیات قرآن کریم به چارچوب آن جامعه دست یافت تا با شبیه‌سازی آن در جوامع کنونی بتوان به آن جامعه آرمانی نزدیک شد.

مهم‌ترین بخش در شناخت واقعی جامعه آرمانی مهدوی، بررسی مبانی فلسفی آن (در چهار حوزه فلسفه دینی، انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) است. بنابراین با توجه به اهمیت انسان و شناخت ابعاد وجودی او، مهم‌ترین بخش از این مبانی مربوط به مبانی انسان‌شناسی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

با بررسی آموزه‌های قرآن کریم معلوم گشت که یکی از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی آرمان شهر مهدوی، نگرش هدفمند به انسان و جامعه بشری است. اصولاً هدف تشکیل آرمان شهر مهدوی - با توجه به فلسفه آفرینش انسان - در دو حوزه بخش «علم» و بخش «عمل» قابل بررسی است؛ بدین ترتیب هدف نهایی از تشکیل آرمان شهر مهدوی، معرفت الهی در حوزه علم، و یقین، و شهود الهی در بخش عمل می‌باشد و لذا تمامی ارکان آن جامعه، هدایت‌کننده افراد به سمت این هدف است.

از دیگر مبانی انسان‌شناسی جامعه مهدوی هویت قرآنی به مثابه روح اجتماعی آرمان شهر است؛ زیرا همان‌طور که انسان دارای جسم و روح است، جامعه نیز شامل یک جسم است که از

اجزاهای ظاهری آن مانند خانه، سازمان، نهاد، سیستم‌های اجرایی، امکانات شهری و در واقع خود جامعه تشکیل شده است و هم‌چنین این جامعه دارای یک نفس و روح هم هست که زوال ناپذیر است و هویت اجتماعی آن را تشکیل می‌دهد؛ هویتی نشأت گرفته از اسلام ناب و قرآنی.

از جمله مبانی انسان‌شناسی جامعه مهدوی، عقل، تعقل و تکامل عقول است. به طور کلی مهم‌ترین دسته‌بندی عقل از دیدگاه فلسفی تقسیم آن به دو عقل نظری و عملی است؛ عقل نظری از مقوله شناخت است و حکم خدا را می‌فهمد و ادراک می‌کند و راجع به «بود و نبود» است و هرگاه در جامعه‌ای شناخت و معرفت به حقایق و هستی بیشتر باشد، نشان از رشد و تعالی عقل نظری مردم آن جامعه است و عقل عملی که شأنت حکم کردن را دارد و مربوط به «باید و نباید» است و از جمله شاخصه‌های عقل عملی در جامعه مهدوی رونق مقوله‌های مثبت، نظیر عبادات، بندگی حق، کارهای خوب، اعمال شایسته، عدالت، اضمحلال ظلم و ستم و غیره است.

چهارمین مبانی انسان‌شناختی آرمان‌شهر مهدوی تفاوت‌های فردی و اجتماعی است. در جامعه مهدوی به افراد بشر ظلم نمی‌شود؛ بلکه بشر با توجه به دو شاخصه حقوق و اولویت‌ها و هم‌چنین خصوصیت ذاتی او به هر درجه از کمال که استحقاق و امکان آن را داشته باشد با اختیار و اراده خویش رهنمون می‌شود.

آخرین مورد از مبانی انسان‌شناسی جامعه مهدوی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است بحث آزادی انسان و اراده و اختیار او به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر است. اصولاً در جامعه مهدوی به دلیل آگاهی مردم از حقایق دین، انسان‌ها اراده‌ای آزاد خواهند داشت و بشر علاوه بر این که زیر بار ذلت و بردگی نرفته و آزادی اجتماعی خویش را حفظ می‌کند از نظر تزکیه نفس و تقوای اجتماعی به آزادی معنوی رسیده و به تراز جامعه قرآنی نایل می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، *امالی*، مترجم: محمدباقر کمره ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الملاحم والفتن*، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
- اصیل، حجت الله، *آرمان شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نی، سوم، ۱۳۹۳ ش.
- الهی نژاد، حسین، «مهدویت و عقل گرایی»، *فصل نامه موعود*، شماره ۲۷، ۱۳۸۷ ش.
- جعفری تبریزی، محمدتقی، *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام: اسلام و غرب*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد محمدتقی جعفری، اول، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر انسان به انسان*، محقق: محمدحسین الهی زاده، پنجم، ۱۳۸۹ ش (الف).
- _____، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء، اول، ۱۳۸۹ ش (ب).
- _____، *فلسفه حقوق بشر*، قم: نشر اسراء، ششم، ۱۳۸۹ ش (ج).
- _____، *ادب قضا در اسلام*، تحقیق: حجت الاسلام والمسلمین مصطفی خلیلی، سوم، ۱۳۹۱ ش.
- خزاعی، رضا؛ کامیار، مریم، «واکاوی مفهوم آرمان شهر در تفکر سیاسی امام علی (ع)»، *مدیریت شهری*، شماره ۴۳، ۱۳۹۵ ش.
- ربانی گلپایگانی، علی، *جبر و اختیار*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، دوم، ۱۳۸۷ ش.
- روویون، فردریک، *آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نی، اول، ۱۳۸۵ ش.
- زمانی محبوب، حبیب، «عدالت و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی»، *مجله حصون*، شماره ۲۰، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمدحسین همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- عابدی، احمد؛ منفرد، مهدی، *کرامت انسان*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، اول، ۱۳۹۰ ش.

- فرید، محمدصادق، *میانی انسان‌شناسی*، تهران: نشر پیشوتن، پنجم، ۱۳۸۸ ش.
- فکوهی، ناصر، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی، هفتم، ۱۳۹۰ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، شرح: جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- بهروز لک، غلامرضا، «کرامت انسانی شهروندی متعهد در دولت کریمه»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۲۵-۲۶، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، بی تا.
- محقق داماد، مصطفی، *درآمدی بر اخلاق زیستی*، تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا، دوم، ۱۳۸۹ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۰ ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- موسوی امین، محمد، «آزادی در دکترین مهدویت»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۱۷، ۱۳۸۴ ش.
- میرزایی اهرنجانی، حسن، *میانی فلسفی تئوری سازمان*، تهران: سمت، دوم، ۱۳۸۶ ش.
- وای ولو، فرانک رابرت، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه: علیرضا قبادی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، دوم، ۱۳۸۸ ش.